

نگاهی به مبحث تمکین و نفقه در حقوق خانواده

1 دی 1403

مطابق آنچه که در قانون و حقوق خانواده کشور ما وجود دارد پس از خواندن صیغه عقد نکاح زن و مرد حقوق و تکالیفی نسبت به هم پیدا کرده که هر دو باید آن را رعایت کنند.

اولین مساله بحث تمکین زن از شوهر، و پس از آن پرداخت نفقه از جانب شوهر به زن به علت تمکین او می باشد. تمکین در لغت به معنی فرمان بردن است و تمکین در علم حقوق دارای دو معنا می باشد؛ معنی خاص و معنی عام؛ و نفقه در لغت به معنی پرداخت هزینه های اساسی و ضروری زندگی مشترک زن توسط شوهر است؛ به عبارتی دیگر مبحث نفقه و تمکین دو مبحث بسیار مهم در قانون و حقوق خانواده می باشد که ارتباط تنگاتنگی باهم دارند.

مطابق با ماده 1107 قانون مدنی قانونگذار ما در تعریف نفقه به صراحت بیان می کند: نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج، به واسطه نقصان یا مرض. نکته مهمی که باید به آن اشاره کنم این است که چنانچه زن از شوهر خود بدون هیچ دلیل قانونی و شرعی اگر تمکین عام و خاص نکند، طبق ماده 1108 قانون مدنی ناشزه محسوب شده و به او نفقه تعلق نمی گیرد. همانطور که در بالا گفته شد تمکین در علم حقوق دارای دو معنا می باشد معنی خاص و معنی عام.

تمکین در معنای خاص

معنای خاص تمکین در علم حقوق یعنی انجام رابطه زناشویی (جنسی) بین زن و شوهر به صورت متعارف که هر دو نفر باید این مساله را بپذیرند و شرط خلاف این مساله امکان پذیر نیست؛ البته باید این نکته مهم را بگویم که عدم تمکین زن در مواردی مثل: دوران عادات ماهانه، احرام، روزه واجب، زوج بیماری مقاربتی داشته باشد، زوجه بیمار باشد و انجام رابطه جنسی، بیماری زوجه را تشدید کند، و مواردی که زن از لحاظ روحی و روانی شرایط مناسبی برای انجام رابطه جنسی نداشته باشد و... خودداری زن در این موارد از انجام رابطه جنسی عدم تمکین یا نشوز زن محسوب نمی شود، البته که مردان باید زنان را در این شرایط خاص درک کنند و از انجام رابطه جنسی پرهیز کنند.

تمکین در معنای عام

تمکین به معنای عام در علم حقوق یعنی همان معنایی که در عرف کشور ما برای زن پیشی بینی شده است به زبان ساده تر همان وظایف و تکالیف زن نسبت به شوهر خود می باشد که باید انجام بدهد، وظایفی همانند: غذا درست کردن، اتو زدن لباس ها، برای رفت آمد خود با مرد هماهنگی کردن، در امور مربوط به خانواده با مرد مشورت کردن، حسن معاشرت با مرد داشته باشد، به همسر خود متعهد و وفادار باشد و... به معنای تمکین عام می باشد. البته باید این نکته را بگویم که زن و شوهر باید در زندگی مشترک باهم تعامل داشته و در کارهای خانه باهم مشارکت داشته باشند چرا که زندگی مشترک

همه چیزش مشترك مي باشد و وقتي زوجين در زندگي مشترك وظايف مربوط به خود را با عشق و علاقه نسبت به هم انجام بدهند قطعاً خوشبختي، آرامش و سعادت در انتظار آن زوج خواهد بود.

نکته کاربردي و بسيار مهمي که به عنوان پژوهشگر علم حقوق در خصوص تمکين بايد بگويم اين است که اگر زن به هر دليلي از شوهر خود تمکين نکند، مرد بايد دادخواست تمکين در دادگاه خانواده مطرح کند و پس از بررسي شرايط تمکين که اصولاً فراهم کردن منزل به همراه اثاث البيت آن است دادگاه به کمک کارشناس اين مساله را مورد بررسي قرار مي دهد و اگر شرايط تمکين را مهيا بداند تاييد مي کند و آن وقت زن ملزم به تمکين از شوهر مي باشد و چنانچه زن با فراهم بودن شرايط باز هم از شوهر خود تمکين نکند، ناشزه محسوب شده و ديگر به او نفقه جاريه تعلق نمي گيرد.

حال با توجه به مطالبي که بيان شد سوال مهمي که ممکن است براي اکثر افراد جامعه ما پيش بياید اين است که نفقه زن چگونه محاسبه مي شود؟ و چه معيارهائي دارد؟ در حقوق کشور ما نفقه هر فردي متفاوت از فرد ديگر مي باشد به طور مثال نفقه يك زن که استاد دانشگاه يا جراح قلب يا وکیل دادگستري است، با نفقه زني که مدرک تحصيلي ديپلم دارد يا شاغل نيست و تحصيلاتي ندارد و... متفاوت مي باشد؛ البته که اين معيارها يکي از ملاكهاي تعيين ميزان نفقه براي زن مي باشد معيارهائي ديگري که توسط دادگاه به کمک کارشناس مورد بررسي قرار مي گيرد شامل: شان و منزلت خانوادگي زن از لحاظ اجتماعي، فرهنگي، اقتصادي، سياسي و... مي باشد؛ به زبان خيلي ساده تر هر چه شان و منزلت زن و خانواده او در جامعه بالاتر باشد به همان ميزان مي تواند نفقه بيشتري از همسر خود دريافت کند که تشخيص ميزان دقيق نفقه به کمک کارشناس با دادگاه خانواده مي باشد.



از آنجايي که در حقوق کشور ما هم نکاح دائم داريم هم نکاح موقت بايد بگويم که نفقه زن فقط در عقد نکاح دائم پيش بيني شده است به طوري که قانونگذار ما در ماده 1106 قانون مدني به صراحت مي گوید: در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.

از اين ماده اين نکته قابل فهم مي باشد که در نکاح موقت نفقه در صورتي به زن داده مي شود که نفقه ضمن عقد نکاح موقت شرط شده باشد وگرنه به زن در نکاح منقطع يا همان نکاح موقت نفقه تعلق نمي گيرد. در رابطه با حقوق مالي زن و شوهر بايد بگويم هر دو داراي استقلال مالي مي باشند، تا جايي که در ماده 1118 قانون مدني قانونگذار در خصوص استقلال مالي زن مي گوید: زن مستقلاً مي تواند در دارايي خود هر تصرفي را که مي خواهد بکند.

در مطالبه نفقه يك نکته مهمي كه وجود دارد اين است كه نفقه زن در مقايسه با نفقه اقارب (نزديكان مثل پدر و مادر) مقدم تر مي باشد، يعني زن مي تواند مطابق ماده 1206 قانون مدني نفقه گذشته (معوقه) خود را از مرد مطالبه كند به طوري كه در اين ماده قانونگذار بيان مي كند: زوجه در هر حال مي تواند براي نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوا نمايد و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس يا ورشكستگي شوهر، زن مقدم بر غرما خواهد بود ولي اقارب فقط نسبت به آتیه مي توانند مطالبه نفقه نمايند.

نفقه ندادن به زن داراي ضمانت اجراي حقوقي و كيفري مي باشد، به طوري كه در ماده 1111 قانون مدني قانونگذار بيان مي كند: زن مي تواند در صورت استنكاف شوهر از دادن نفقه به محكمه رجوع كند. در اين صورت محكمه ميزان نفقه را معين و شوهر را به دادن آن محكوم خواهد كرد. اين نکته مهم را بايد بگويم كه دادن نفقه به زن مشروط به فقير بودن يا ثروتمند بودن زن نيست، و شوهر تحت هر شرايطي حتي ثروتمند بودن زن يا كارمند بودن زن باز هم بايد به همسرش نفقه بدهد.

در خصوص ضمانت اجراي كيفري عدم پرداخت نفقه در ماده ۵۳ قانون حمايت خانواده مصوب سال 1391 قانونگذار ما به صراحت بيان مي كند: هر كس با داشتن استطاعت مالي، نفقه زن خود را در صورت تمكين او ندهد يا از تأديه نفقه ساير اشخاص واجب النفقه امتناع كند به حبس تعزيري درجه شش محكوم مي شود.

تعقيب كيفري منوط به شكايست شاكی خصوصی است و در صورت گذشت وي از شكايست در هر زمان تعقيب جزايي يا اجراي مجازات موقوف مي شود. در تبصره اين ماده بيان شده: امتناع از پرداخت نفقه زوجه اي كه به موجب قانون مجاز به عدم تمكين است و نيز نفقه فرزندان ناشي از تلقيح مصنوعي يا كودكان تحت سرپرستي مشمول مقررات اين ماده است.

در صورت عدم پرداخت نفقه توسط مرد، زوجه اگر اين مساله را در دادگاه اثبات كند و حكم به دادن نفقه عليه مرد صادر شود و زوج همچنان نفقه را پرداخت نكند، زوجه مي تواند به استناد ماده 1129 قانون مدني تقاضاي طلاق كند به طوري كه قانونگذار ما به صراحت در اين ماده مي گويد: در صورت استنكاف شوهر از دادن نفقه و عدم امكان اجراي حكم محكمه و الزام او به دادن نفقه، زن مي تواند براي طلاق به حاكم رجوع كند و حاكم شوهر را اجبار به طلاق مي نمايد. همچنين است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.

نكته مهم ديگر در خصوص بحث تمكين و نفقه داشتن حق حبس براي زوجه مي باشد؛ حق حبس زوجه در ماده ۱۰۸۵ قانون مدني پيش بيني شده است و به موجب آن، زن مي تواند تا مهر به او تسليم نشده از ايفاي وظيفي كه در مقابل شوهر دارد امتناع كند مشروط بر اينكه مهر او حال باشد و اين امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود، البته حق حبس زوجه، فقط در رابطه با تمكين خاص، امكان پذير است، يعني اگر زوجه تمكين خاص كرده باشد ديگر نمي تواند به حق حبس خود استناد كند.

در كنار حقوق زوجين در نفقه و تمكين يك بحث بسيار مهمي وجود دارد كه اگر زوجين به طلاق برسند اين مساله مطرح مي شود آن هم چگونگي اعمال اجرت المثل ايام زناشويي در زندگي مشترك مي باشد؟



مرکز مشاوره
حالت خوب
ازدواج، تحصیلی، خانواده
دکتر کبری درویش پیشه
۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸
مشاوره تلفنی

از جمله حقوق مالی مربوط به زوجین که در هنگام طلاق به زوج تعلق می‌گیرد اجرت‌المثل و نحلّه می‌باشد؛ اجرت‌المثل ایام زوجیت در تبصره ماده 336 قانون مدنی اینگونه بیان شده است: چنانچه زوج کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت‌المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهایی انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید.

برای دریافت اجرت‌المثل باید زوج امور را که انجام می‌دهد به دستور زوج باشد و زوج با قصد رایگان آن امور را انجام نداده باشد، و اموری که زوج انجام می‌دهد شرعاً به عهده او نباشد یعنی مشمول موارد تمکین عام و خاص نباشد؛ در اجرت‌المثل وضعیت مالی مرد ملاک تعیین مبلغ نیست بلکه با توجه به نظر کارشناس حق‌الزحمه زن در امور خانه‌داری معلوم می‌شود. ضمناً نحلّه بدل اجرت‌المثل محسوب شده و قابل جمع با یکدیگر نمی‌باشد، بنابراین با تعیین نحلّه ایام زوجیت برای زوج استحقاق وی نسبت به اجرت‌المثل منتفی خواهد بود.

نکته خیلی مهم در خصوص اجرت‌المثل ایام زناشویی این است که در دعوی مطالبه اجرت‌المثل ایام زوجیت، اصل بر تبرع بوده زیرا عرفاً زنان جهت انجام کارهایی منزل درخواست اجرت نمی‌کنند؛ بنابراین مطالبه اجرت‌المثل ایام زوجیت مستلزم اولاً اثبات عدم تبرع توسط زن و ثانیاً دستور دادن مرد برای انجام آن کارها می‌باشد.

امیرحسین صفدری - پژوهشگر علم حقوق